

## قرار بازداشت موقت در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر و مقایسه آن با ضوابط ناظر بر این قرار در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲

نسرین مهرا\*

محمد مهدی برغی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۱۲

### چکیده

سلب آزادی از افرادی که به اتهام ارتکاب جرم مشمول قرار بازداشت موقت می‌شوند، یکی از جلوه‌های مناقشه میان دو حق امنیت و آزادی است. از یک سو حق آزادی اشخاص اقتضا دارد که هیچ‌گونه محدودیتی برای کسی که مجرمیت او توسط هیچ دادگاهی احراز نشده است، ایجاد نشود و از سوی دیگر لزوم دسترسی به متهم و برقراری دادرسی کیفری عادلانه، مستلزم آن است که چنین شخصی با محدودیت‌هایی در حوزه آزادی روبرو گردد. همین امر موجب شده که امروزه اسنادی، چون کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، گرچه نهاد بازداشت موقت را به دلیل حمایت از منافع جامعه بپذیرند، در مرحله اجرای آن و با توجه به آرای صادره توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر ضوابط و سازوکارهایی را در راستای رعایت حقوق انسانی افراد مشمول این قرار در نظر گیرند. در نظام حقوقی کشور ایران هم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ ضمن پذیرش قرار بازداشت موقت، کوشیده است تا پاره‌ای از ضوابط بین‌المللی ناظر بر این قرار، از جمله لزوم وجود ظن معقول به ارتکاب جرم توسط متهم به منظور صدور قرار، ضرورت انجام رسیدگی کیفری پس از صدور قرار، امکان

\* دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

docnas@mail.com

\*\* دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

mmehdibarghi@yahoo.com

اعتراض به قرار و غیره را مورد تأکید قرار دهد. با وجود این، همچنان ایراداتی در قانون جدید مشاهده می‌شود که از آن جمله می‌توان به محدود کردن صدور قرار بازداشت موقت به برخی جرایم خاص و نیز نبود ضمانت اجرای مشخص و معین برای تخطی افراد مسئول از ضوابط حاکم بر این قرار اشاره کرد.

### کلیدواژگان:

آیین داری کیفری، دادگاه اروپایی حقوق بشر، سلب آزادی، قرار بازداشت موقت.

## مقدمه

حق بر امنیت<sup>۱</sup> (امنیت جسمانی- مالی) امروزه جزء حقوق بنیادین شهروندان هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و تأمین آن جزء وظایف بدیهی دولت‌ها به شمار می‌رود که معمولاً می‌کوشند تا از طریق به کار بستن تدابیر قهری و غیرقهری در برابر بزهکاران و ناقضان قانون، امنیت جانی و مالی شهروندان خود را تأمین کنند. از سوی دیگر، همین شهروندان از حق بر تأمین<sup>۲</sup> (امنیت حقوقی- قضایی) در برابر مداخله‌های کارگزاران دستگاه عدالت کیفری نیز برخوردار می‌باشند و نهادهای وابسته به قوای حاکمیتی نمی‌توانند بدون دلایل کافی و رعایت ضوابط قانونی، آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان را سلب نمایند. بنابراین آزادی و امنیت دو حق بنیادینی هستند که امروزه برای همه انسان‌ها به رسمیت شناخته شده و در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز دولت‌ها موظف به پاسداری از آنها شده‌اند.<sup>۳</sup>

با وجود این، نحوه اجرای هم‌زمان این دو حق و تلفیق آنها، همواره از موضوعات مناقشه‌برانگیز بوده است و یکی از بارزترین این مناقشه‌ها مربوط به نحوه برخورد با اشخاصی می‌باشد که به موجب قرار بازداشت موقت مشمول سلب آزادی قرار می‌گیرند. بازداشت موقت عبارت است از: «در توقیف نگه داشتن متهم در طول تمام یا قسمتی از جریان تحقیقات مقدماتی که امکان دارد تا خاتمه دادرسی و صدور حکم نهایی و شروع به اجرای آن ادامه یابد.»<sup>۴</sup> جدال بین دو مفهوم امنیت و آزادی در این قرار به این دلیل است که از یک سو حق بر آزادی شخصی افراد ایجاب می‌کند که هرگونه محدودیت برای ایشان در زمینه آزادی‌های مختلف و به خصوص آزادی تن، خلاف قاعده و ممنوع باشد و از دیگر سو، حق بر امنیت مالی و جانی شهروندان ایجاب می‌کند که افرادی که با رفتار خود خللی به این حق وارد می‌آورند و در مظان ارتکاب جرم قرار می‌گیرند، به منظور امکان دسترسی به ایشان در فرایند رسیدگی‌های کیفری و نیز جلوگیری

1. The Right to Security.

2. The Right to Surety.

۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *درباره امنیت‌شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)*، دیپاچه بر کتاب مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم نوشته سودابه رضوانی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱، صص ۱۸ و ۱۹.

۴. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، جلد ۲، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۸۴، ص ۱۵۴.

از فرار آنها یا از بین بردن آثار و نشانه‌های جرم توسط ایشان، با برخورد دستگاه عدالت کیفری و حسب مورد محدودیت‌هایی در ارتباط با آزادی‌های شخصی خود روبرو شوند.<sup>۱</sup>

اینک و با مشخص شدن وجود نوعی تعارض بین دو مفهوم امنیت و آزادی در قرار بازداشت موقت، این پرسش مطرح می‌شود که اولاً قرار بازداشت موقت در اسناد بین‌المللی و قوانین دادرسی کشور ایران از چه جایگاهی برخوردار بوده و در چه مواردی امکان استفاده از آن پیش‌بینی شده است؟ ثانیاً اسناد بین‌المللی در موارد استفاده از قرار بازداشت موقت، برای جمع بین دو مفهوم امنیت و آزادی چه راهکارهایی اندیشیده و آیا این راهکارها در قوانین کشور ایران هم مورد توجه قرار گرفته‌اند یا خیر؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها نوشتار حاضر به دو بند تقسیم شده است: در بند اول به تبیین جایگاه قرار بازداشت موقت و موارد مجاز استفاده از آن در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به عنوان یکی از اسناد پیش‌روی بین‌المللی در پیش‌بینی مفاهیم و معیارهای حقوق بشری و نیز قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، به عنوان آخرین و مهم‌ترین سند قانونی کشور ایران در ارتباط با نهاد بازداشت موقت، پرداخته شده است؛ در بند دوم با تکیه بر آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر، ضوابط و سازوکارهای رعایت حقوق مضمولین این نوع از سلب آزادی مورد بررسی قرار گرفته و با رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ در این زمینه مقایسه شده است.

## ۱. جایگاه قرار بازداشت موقت و موارد مجاز استفاده از آن

با توجه به آنکه قرار بازداشت موقت منجر به نوعی محدودیت برای حق آزادی شخصی که یکی از ابتدایی‌ترین حقوق انسان‌ها می‌باشد، می‌گردد، بنابراین استفاده از این نهاد منوط به آن است که از پشتوانه و مستند قانونی برخوردار بوده و موارد مجاز استفاده از آن به صورت دقیق مشخص شده باشد. اهمیت این مسئله موجب شده که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ ضمن به رسمیت شناختن این نهاد، موارد مجاز استفاده از آن را مشخص نمایند.

۱. یزدانیان، محمدرضا، ضوابط و قواعد خاص حاکم بر بازداشت موقت، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۱، شماره ۴۰، صص ۲۵۳-۲۳۸.

### ۱.۱. به رسمیت شناختن قرار بازداشت موقت

«کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی»<sup>۱</sup> در ماده ۵ (۱) (ج) خود، سلب آزادی اشخاصی را که ظن ارتکاب جرم توسط ایشان وجود دارد یا پس از ارتکاب جرم در صدد فرار هستند، پیش‌بینی کرده است.<sup>۲</sup> در این ماده «دستگیری یا بازداشت قانونی یک شخص به منظور اعزام او نزد مرجع قانونی صالح بر پایه دلایل معقول مبنی بر ظن ارتکاب جرم توسط وی یا جهات معقوله مبنی بر ضرورت جلوگیری از ارتکاب جرم یا جلوگیری از فرار او پس از ارتکاب جرم»<sup>۳</sup> مجاز دانسته شده است.

چنان که ملاحظه می‌شود، دو مقتضای کلیدی درباره این مقرر وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. نخست آنکه هدف از بازداشت مظنون باید آوردن او نزد «یک مقام ذی صلاح قانونی» باشد و دوم اینکه ظن درباره ارتکاب جرم باید «معقول» باشد. علاوه بر اینها، باید این را تضمین کرد که تداوم سلب آزادی مقدم بر دادرسی، مبتنی بر دلایل معقول است و هر زمانی که

#### 1. European Convention for Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که گاهی از آن به اختصار با نام «کنوانسیون اروپایی» نیز یاد شده و با اعلام اختصاری (ECHR) هم شناخته می‌شود، از جمله اسناد تدوین شده توسط «شورای اروپا» است. این سند بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم به وسیله دولت‌های عضو شورای اروپا در سال ۱۹۴۹ با هدف ارتقای فرهنگ، حیات سیاسی و اجتماعی اروپا و ترویج و توسعه حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون در اروپا تدوین شد. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: تقی‌پور، علیرضا، *کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر*، مجله پژوهش‌های راهبردی، ۱۳۸۲، شماره‌های ۳۰ و ۳۱، صص ۱۲۸-۱۱۳. همچنین برای مطالعه بیشتر در ارتباط با حقوق کیفری کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز چگونگی تعامل حقوق ملی کشورهای اروپایی و مفاد کنوانسیون، ر.ک: پرادل، ژان، گرت کورستنز و گرت فرملن، *حقوق کیفری شورای اروپا*، ترجمه دکتر محمد آشوری، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۲.

Delmas-Marty, Mireille, *The European Convention for the Protection of Human Rights: International Protection Versus National Restrictions*, Martinus Nijhoff Publishers, 1992.

2. Stone, Richard, *Textbook on Civil Liberties and Human Rights*, Oxford University Press, 2014, P. 123.

3. Article 5 & 1 (c): " the lawful arrest or detention of a person effected for the purpose of bringing him before the competent legal authority of reasonable suspicion of having committed and offence or when it is reasonably considered necessary to prevent his committing an offence or fleeing after having done so ".

این دلایل موجود نبود یا خاتمه یافت، امکان آزادی فرد از بازداشت با تأمین وثیقه مناسب وجود داشته باشد.<sup>۱</sup>

این موارد در واقع ضوابط و سازوکارهایی است که کنوانسیون بدین منظور که قرار بازداشت موقت منجر به نقض حق بر آزادی اشخاص نشود و جنبه قانونی پیدا کند، مورد پیش‌بینی قرار داده است. این سازوکارها توسط «دادگاه اروپایی حقوق بشر»<sup>۲</sup> و در هنگام رسیدگی به دعاوی که نزد این دادگاه مطرح شده است، به تفصیل مورد بحث قرار گرفته و بسط و توسعه داده شده‌اند<sup>۳</sup> و امروزه به عنوان ضوابط «بازداشت موقت قانونی» از سوی نهادهای بین‌المللی به رسمیت شناخته می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر، سلب آزادی اشخاص در قالب قرار بازداشت موقت در گذر زمان در قوانین مختلف کیفری کشور ایران و از آن جمله قوانین آیین دادرسی کیفری مورد توجه بوده است. این مسئله به ویژه از آن رو حائز اهمیت است که آیین دادرسی کیفری به عنوان مجموعه قواعد و مقررات ناظر به کشف، تعقیب، تحقیق، دادرسی و اجرای حکم، از یک سو دغدغه حمایت از آزادی‌های فردی و حریم خصوصی اشخاص را بر عهده دارد و از سوی دیگر به تأمین امنیت در جامعه اهمیت می‌دهد.<sup>۴</sup> به همین دلیل، هدف عمده آیین دادرسی کیفری برقراری تعادل و تعامل

1. Council of Europe/European Court of Human Rights, Guide on Article 5 of the Convention: Right to Liberty and Security, www.echr.coe.int, 2014, P. 14.

۲. European Court of Human Rights یکی از ویژگی‌های ممتاز کنوانسیون اروپایی حقوق بشر این است که حق دادخواهی فردی را به رسمیت شناخته است که به موجب این حق، افراد و سازمان‌ها حق دارند اختلافاتشان را با دولت‌هایشان در خصوص نقض حقوق مندرج در این کنوانسیون نزد دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح کنند. لازم به ذکر است که در پی اصلاح ساختاری که مطابق پروتکل شماره ۱۱ در سال ۱۹۹۸ صورت گرفته است، دادگاه اروپایی حقوق بشر به صورت تمام وقت درآمده و دارای شعبه‌های متعدد می‌باشد. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: قاری سید فاطمی، سید محمد، دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر، مجله حقوقی، ۱۳۷۹، شماره ۲۵، صص ۱۴۵-۱۲۹.

3. Forowicz, Magdalena, The Reception of International Law in the European Court of Human Rights, Oxford University Press, 2010, P.61.

۴. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، تهران: سمت، ۱۳۹۵، ص ۳۵.

مناسب میان حقوق و آزادی‌های فردی و حقوق جامعه است<sup>۱</sup> و لازمه رسیدن به چنین هدفی آن است که نه فقط با پیش‌بینی سلب آزادی ناشی از قرار بازداشت موقت در مواقع لازم و ضروری به حمایت از حقوق جامعه در برابر جرایم احتمالی بپردازد، بلکه با در نظر گرفتن ضوابط دقیق حاکم بر این امر، از هرگونه تضییع حقوق افرادی که مشمول چنین سلب آزادی‌ای قرار می‌گیرند، ممانعت به عمل آورد.<sup>۲</sup>

بر این اساس، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ هم در بند (د) از ماده ۲۱۷ به بازپرس این اجازه را داده است که «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی» پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، قرار بازداشت موقت را با رعایت شرایط مقرر قانونی صادر نماید.

## ۱.۲. لزوم وجود ظن معقول بر ارتکاب جرم برای بازداشت فرد

ماده ۵ (۱) (ج) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به این نکته تصریح کرده است که برای اینکه بتوان نسبت به شخصی از قرار بازداشت موقت استفاده کرد، حتماً لازم است که یک ظن مبنی بر ارتکاب جرم توسط او وجود داشته باشد.<sup>۳</sup> این تأکید کنوانسیون بر لزوم وجود ظن، تضمینی بر آن است که سلب آزادی به واسطه بازداشت موقت فقط جایی اتفاق می‌افتد که مبتنی بر دلیل است و بنابراین یک اقدام خودسرانه نیست.<sup>۴</sup> باید توجه داشت که ظن توجیه‌کننده بازداشت

۱. برای مطالعه بیشتر درباره این برداشت از هدف آیین دادرسی کیفری، ر.ک: گسن، رمون، *ملاحظه‌هایی درباره هدف آیین دادرسی کیفری*، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های ۵۶ و ۵۷، ۱۳۸۵، صص ۳۳۳-۳۴۸.

۲. آشوری، محمد و محمدرضا رحمت، *الگوی جرم‌شناسی کرامت‌مدار بازداشت موقت افتراقی بیماران در آیین دادرسی کیفری* ۱۳۷۸ و ۱۳۹۲، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۳، شماره ۷، صص ۲۶-۳.

3. Boehm, Franziska, *Information Sharing and Data Protection in the Area of Freedom, Security and Justice*, Springer Science & Business Media, 2011, P. 85.

4. United Nations. *Office of the High Commissioner for Human Rights, International Bar Association, Human Rights in The Administration Of Justice: A Manual On Human Rights For Judges, Prosecutors And Lawyers*, United Nations Publications, 2003, P. 174.

موقت، علاوه بر مشهود بودن،<sup>۱</sup> باید معقول هم باشد و فقط زمانی معقول در نظر گرفته می‌شود که مبتنی بر واقعیات یا اطلاعات و شواهدی باشد که شخص مظنون را عیناً و مستقیماً به جرم مورد نظر متصل می‌کند.<sup>۲</sup> بنابراین لازم است مدارکی وجود داشته باشند که حاکی از دخالت مستقیم آن شخص در جرم است. لذا هیچ‌گونه سلب آزادی که مبتنی بر احساس، غریزه، ارتباطات صرف یا پیش داوری و تبعیض (اعم از نژادی، مذهبی و غیره) باشد، از نظر این مقرر قابل قبول نخواهد بود؛ چون معقولیتی در آن وجود ندارد.

نکته قابل ذکر در این زمینه آن است که صرف این واقعیت که یک شخص در گذشته مرتکب جرمی شده - حتی اگر مشابه با جرم مورد بحث فعلی باشد - برای یک ظن معقول مبنای کافی محسوب نمی‌شود. این مسئله در دعوی Fox, Campbell and Hartley v. the United Kingdom از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر مورد تأیید قرار گرفت.<sup>۳</sup> در این دعوا خواهان‌ها قبلاً به خاطر اقدامات تروریستی محکوم شده بودند. دادگاه اروپایی حقوق بشر پذیرفت که این محکومیت قبلی ممکن است که به عنوان عاملی در نظر گرفته شود که می‌تواند ظنی را که از مدارک و اطلاعات دیگر حاصل شده است تقویت کند، اما نمی‌تواند به عنوان تنها مبنای مورد اتکا برای ظنی که موجب سلب آزادی است در نظر گرفته شود؛ زیرا آنچه ضرورت دارد این است که ظن، متصل با رفتار زمان حاضر شخص و ناشی از آن باشد.<sup>۴</sup>

همین‌طور یکی دیگر از نکاتی که در دعوی FOX مطرح شد، این بود که مقامات دولت انگلستان ادعا کردند که اطلاعات قابل اتکایی علیه خواهان‌ها وجود داشته، اما از آنجا که این اطلاعات محرمانه بوده، برای بررسی مشروعیت سلب آزادی در اختیار دادگاه قرار نگرفته است. چنین ادعایی نمی‌تواند به عنوان یک مبنای کافی برای قبول این که ظن معقول علیه خواهان‌ها

۱. دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده Murray v. the United Kingdom تأکید کرد که مشهود بودن و واجد شرایط بودن ظن به ارتکاب جرم، یک عامل مهم و ضروری در احراز معقول بودن آن است.

2. Ruggeri, Stefano, Liberty and Security in Europe: A Comparative Analysis of Pre-trial Precautionary Measures in Criminal Proceedings, V&R unipress GmbH, 2012, P23.

3. Mowbray, Alastair, Cases, Materials, and Commentary on the European Convention on Human Rights, OUP Oxford, 2012, P. 276.

4. Mowbray, Alastair, Cases, Materials, and Commentary on the European Convention on Human Rights, OUP Oxford, 2012, P. 276.



وجود داشته است، در نظر گرفته شود؛<sup>۱</sup> علت آن است که دادگاه اروپایی حقوق بشر باید قادر به تشخیص این موضوع باشد که آیا ماهیت تأمیناتی که به وسیله ماده ۵ (۱) (ج) در نظر گرفته شده، تضمین شده است یا نه<sup>۲</sup> و این بدان معناست که دولت‌های عضو باید حداقل بعضی از واقعیات یا اطلاعات مربوط به پرونده را که قادر است دادگاه اروپایی حقوق بشر را اقناع کند که شخص بازداشت شده به صورت معقولی مظنون به ارتکاب جرایم مورد ادعا بوده است، تدارک ببینند<sup>۳</sup> و صرف این ادعا که به دلیل محرمانه بودن اطلاعات نمی‌توان آنها را در اختیار دادگاه قرار داد، قابل قبول نخواهد بود.

به هر روی، چنان که ملاحظه می‌شود دادگاه اروپایی حقوق بشر برای اینکه بتواند قرار بازداشت موقت را نسبت به شخصی صادر کند، بر وجود یک ظن معقول مبنی بر آنکه آن شخص مرتکب جرمی شده است، تأکید دارد، اما لازم نمی‌داند که جرم موردنظر حتماً در چهارچوب عناوین مجرمانه خاصی قرار گیرد تا بتوان برای آن قرار بازداشت موقت صادر کرد. به بیان دیگر، از نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر آنچه برای صدور قرار بازداشت موقت نیاز است، صرفاً وجود ظن معقول بر ارتکاب یک جرم است که می‌تواند هر جرمی باشد. پس عنوان آن جرم و شدت و ضعف آن در این زمینه تأثیری ندارد و فقط می‌تواند به عنوان یکی از عواملی در نظر گرفته شود که در کنار سایر شرایط و اوضاع و احوال پرونده، به مقام رسیدگی‌کننده قضایی در تشخیص این که آیا نیاز به صدور قرار بازداشت موقت هست یا نه، کمک کند.

۱. بایستی توجه داشته باشیم در حوزه تروریسم، دولت‌های عضو گرچه نیاز نیست که از طریق افشا کردن منابع محرمانه اطلاعاتشان، معقول بودن ظنی را که بر مبنای آن بازداشت شخص مظنون به فعالیت‌های تروریستی صورت گرفته است اثبات کنند، اما دادگاه اروپایی حقوق بشر حکم داده است که ضرورت برخورد و مقابله با جرایم تروریستی نمی‌تواند توسعه مفهوم «معقول بودن» را به آن اندازه‌ای که تأمینات تضمین شده در ماده ۵ (۱) (ج) را تخریب کند، توجیه نماید: O'Hara v. the United Kingdom, No. 37555/97, ECHR 2001-X. (برای مطالعه بیشتر درباره رویکرد جوامع غربی درباره صدور قرار بازداشت موقت در جرایم تروریستی، ر.ک: شاملو، باقر و افشین عبداللهی، دستاوردهای مدیریتی جرم‌شناسی در آیین دادرسی کیفری، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال ششم، ۱۳۹۴، شماره ۲، صص ۹۹-۱۲۸).

2. Frias, Ana, Counter-Terrorism and Human Rights in the Case Law of the European Court of Human Rights, Council of Europe, 2013, P. 299.

3. Fox, Campbell and Hartley v. the United Kingdom, 30 August 1990, Series A, No. 182. PP. 17-18, Para 34.

این در حالی است که رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ در این زمینه تفاوت‌هایی با رویه دادگاه اروپایی دارد. توضیح آن که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ تفکیک قانون سابق بین موارد اختیاری و اجباری صدور قرار بازداشت موقت را برداشته و با پیش‌بینی یک نوع از قرار بازداشت موقت به صورت اختیاری در ماده ۲۳۷، صدور این قرار را محدود به جرایم خاصی کرده است.<sup>۱</sup> در این ماده می‌خوانیم: «صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست، مگر در مورد جرائم زیر که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند: الف) جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو و در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی، جنایاتی که میزان دینه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است. ب) جرائم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است. پ) جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آنها درجه پنج و بالاتر است. ت) ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود. ث) سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هریک از جرایم مذکور باشد.»

به موجب تبصره همین ماده: «موارد بازداشت موقت الزامی، موضوع قوانین خاص، به جز قوانین ناظر بر جرایم نیروهای مسلح از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون ملغی است.»

ملاحظه می‌شود که تأکید قانون جدید در صدر ماده مذکور بر این که صدور قرار بازداشت موقت فقط در صورتی که «قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند» جایز است، با رویکرد دادگاه اروپایی مبنی بر این که صدور قرار بازداشت موقت فقط در صورت وجود ظن معقول به ارتکاب جرم توسط شخص مورد نظر امکان‌پذیر است، مشابهت زیادی دارد. اما نکته قابل ذکر آن است که گرچه رویکرد قانون مصوب سال ۹۲ در حذف موارد صدور قرار بازداشت موقت الزامی و تفویض قدرت تصمیم‌گیری در این زمینه به بازپرس یا توجه به شرایط پرونده، با رویکرد دادگاه اروپایی حقوق بشر که صدور قرار بازداشت موقت را به قضات و با در نظر گرفتن

۱. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهردانش، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۹۳، ص ۲۳۸.

شرایط پرونده ارجاع می‌داد، مطابقت دارد، اما تعیین تعداد خاصی از جرایم که امکان صدور قرار بازداشت موقت فقط برای آنها متصور باشد، برخلاف رویکرد دادگاه اروپایی حقوق بشر است که نوع جرم و شدت آن را فقط به عنوان یکی از دلایل راهنمای قاضی در پرونده برای صدور قرار بازداشت موقت می‌دانست و با این رویکرد که صدور این قرار محدود به جرایم خاصی شود، مخالف بود.

این تفاوت نگاه بین رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲، پس از اصلاحاتی که در سال ۹۴ در این قانون اتفاق افتاد، تشدید شد و قانون‌گذار به موجب ماده ۶۱۸ که پس از اصلاحات سال ۹۴ به قانون سال ۹۲ اضافه شد، مجدداً نوع خاصی از بازداشت موقت الزامی را پیش‌بینی کرد. در صدر ماده مذکور چنین آمده است: «در زمان جنگ، صدور قرار بازداشت موقت با رعایت مقررات مندرج در این قانون در موارد زیر الزامی است: ...» در ادامه ماده ۱۳ عنوان مجرمانه به عنوان جرایمی که ارتکاب آنها در زمان جنگ منجر به صدور قرار بازداشت موقت الزامی خواهد شد، برشمرده شده است.<sup>۱</sup>

قانون‌گذار در پیش‌بینی قرار بازداشت موقت اجباری در ماده ۶۱۸ سه معیار را مدنظر قرار داده است: معیار اول شدت جرایم ارتكابی است و قانون‌گذار جرایمی را مشمول صدور قرار بازداشت موقت اجباری دانسته که جزء جرایم مهم و شدید به شمار می‌آیند؛ معیار دوم زمان وقوع جرم

۱. جرایم مذکور عبارت‌اند از: الف) جرایم موجب مجازات محارب یا مفسد فی الارض؛ ب) جرایم عمدی علیه امنیت داخلی و خارجی موجب مجازات تعزیری درجه پنج و بالاتر؛ پ) شورش مسلحانه؛ ت) لغو دستور حرکت به طرف دشمن یا محاربان و مفسدان یا در ناحیه‌ای با شرایط جنگی و یا محدودیت‌های ضروری اعلام شده؛ ث) ایراد ضرب و یا جرح عمدی با سلاح، نسبت به مافوق؛ ج) قتل عمدی؛ چ) فرار از جبهه؛ ح) فرار از محل مأموریت یا منطقه درگیری در جریان عملیات علیه عوامل خرابکار، ضد انقلاب، اشراک و قاچاقچیان مسلح؛ خ) فرار همراه با سلاح گرم یا توسط هواپیما، بالگرد، کشتی، ناوچه، تانک و وسایل موتوری جنگی یا مجهز به سلاح جنگی؛ د) فرار به سوی دشمن؛ ذ) فرار با تبانی یا توطئه؛ ر) سرقت سلاح و مهمات و وسایل نظامی در هنگام اردوگشی یا مأموریت آماده‌باش یا عملیات رزمی یا در منطقه جنگی در صورت اختلال در مأموریت یگان و یا حمل سلاح ظاهر یا مخفی توسط یک یا چند نفر از مرتکبان در حین سرقت؛ ز) تخریب، آتش زدن، از بین بردن و اتلاف عمدی تأسیسات، ساختمان‌ها، استحکامات نظامی، کشتی، هواپیما و امثال آنها، انبارها، راه‌ها، وسایل دیگر ارتباطی و مخابراتی یا الکترونیکی، مراکز نگهداری اسناد طبقه‌بندی شده مورد استفاده نیروهای مسلح، وسایل دفاعی، تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی، مهمات و مواد منفجره اعم از اینکه مرتکب شخصاً اقدام نماید یا دیگری را وادار به آن کند.

است. صدر ماده ۶۱۸ به این نکته تصریح کرده است که صدور قرار بازداشت موقت الزامی فقط در صورت ارتکاب جرایم تعیین شده در زمان جنگ امکان پذیر است؛ معیار سوم هم شخصیت مرتکب است. گرچه ممکن است از بیان عام ماده ۶۱۸ چنین به ذهن متبادر شود که ارتکاب جرایم مذکور در این ماده در زمان جنگ توسط همه اشخاص منجر به صدور قرار بازداشت موقت الزامی خواهد شد، اما قرائن و امارات متعدد موجود دلالت بر آن دارند که قانون گذار قرار بازداشت موقت الزامی را فقط برای نظامیانی که مرتکب جرایم مذکور در ماده ۶۱۸ شوند، پیش بینی کرده است. از جمله اینکه ماده ۶۱۸ در بخش هشتم از قانون آیین دادرسی کیفری که به «آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح» می پردازد، آمده است. همچنین بعضی از عناوین مجرمانه مذکور در ماده ۶۱۸ مانند لغو دستور حرکت به طرف دشمن، فرار از جبهه، فرار از محل مأموریت و غیره، جزء جرایم خاصی نظامی است که به جز نظامیان، امکان ارتکاب آنها برای افراد عادی وجود ندارد. علاوه بر این، ماده ۶۱۹ به این نکته اشاره دارد که در صورت صدور قرار بازداشت موقت، مرجع قضایی رسیدگی کننده مکلف است مراتب را در اسرع وقت به یگان مربوطه اعلام نماید. بدیهی است این تکلیف فقط زمانی معنا پیدا می کند که شخص مشمول قرار بازداشت موقت، به عنوان یک نظامی مشغول به خدمت در یگان باشد.

به هر روی، وضع ماده ۶۱۸ در اصلاحات سال ۱۳۹۴ و پیش بینی قرار بازداشت موقت الزامی، در تعارض آشکار با رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر است که شدت جرم، زمان ارتکاب یا شخصیت مرتکب را فقط به عنوان عواملی که می توانند به مقام رسیدگی کننده در تشخیص لزوم یا عدم لزوم صدور قرار بازداشت موقت کمک نمایند، در نظر گرفته است و تحت هیچ شرایطی قرار بازداشت موقت الزامی را موجه نمی داند.

## ۲. ضوابط و سازوکارهای قانونی ناظر بر قرار بازداشت موقت

قرار بازداشت موقت به سبب ماهیت ویژه ای که دارد، موضوعی حساس و چالشی به شمار می آید؛ زیرا نتیجه طبیعی صدور این قرار آن است که شخصی که هنوز مجرمیت او اثبات نشده است، با محدودیت هایی در حوزه آزادی های شخصی روبرو گردد. به همین دلیل ضوابط و سازوکارهای ویژه ای به منظور اعمال درست آن پیش بینی شده است تا ضمن دسترسی به متهم به منظور تأمین منافع جامعه، حقوق شخصی فرد مشمول بازداشت موقت هم رعایت گردد. این

ضوابط در آرای صادره توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر در مقام اجرای ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ نمود ویژه‌ای یافته است.

## ۲.۱. لزوم حاضر کردن فرد پس از بازداشت نزد مقام ذیصلاح قانونی به منظور رسیدگی قضایی

اگرچه مبنای پذیرفته شده برای سلب آزادی شخص به موجب ماده ۵ (۱) (ج) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را ارتکاب احتمالی یک جرم، نیاز به بازداشتن شخصی از ارتکاب جرم یا احتمال فرار مجرم مظنون تشکیل می‌دهند، چنین اقدامی فقط در صورتی با این مقررره سازگار خواهد بود که با هدف حاضر کردن آن شخص در یک رسیدگی کیفری انجام گیرد. این در واقع پیامد خط ارتباطی پایداری است که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بین ماده ۵ (۱) (ج) و ۵ (۳) وجود دارد؛<sup>۱</sup> توضیح اینکه ماده ۵ (۱) (ج) سلب آزادی را اجازه می‌دهد، اما ماده ۵ (۳) لازم می‌داند که «هرکس که مطابق با قسمت (ج) مقررات فوق‌الذکر دستگیر یا بازداشت می‌شود، باید در اسرع وقت از اظهار نظر مقام قضایی یا مأمور دیگری که قانوناً حق مداخله دارد، برخوردار شود و در یک مدت معقول، حق برخورداری از انجام محاکمه یا آزادی تا زمان محاکمه را داشته باشد.»<sup>۲</sup> در واقع «قاضی یا مأمور دیگر» اشاره شده در ماده ۵ (۳)، توضیحی برای اصطلاح «مقام ذیصلاح قانونی» استفاده شده در ماده ۵ (۱) (ج) است.<sup>۳</sup> اما مقصود از حاضر کردن فرد مشمول سلب آزادی نزد چنین شخصی آن است که گامی در جهت فرایندی که در نهایت منجر به یک دادرسی می‌شود، برداشته شود؛ زیرا هدف سلب آزادی به موجب این مقررره، در واقع انجام رسیدگی کیفری است.<sup>۴</sup>

البته آنچه گفته شد، بدان معنا نیست که حتماً لازم است یک رسیدگی کیفری به دنبال سلب آزادی پذیرفته شده در این مقررره اتفاق بیافتد تا سلب آزادی با مفاد ماده ۵ (۱) (ج) سازگار دانسته

1. Keller, Helen, Sweet, Alec, *A Europe of Rights: The Impact of the ECHR on National Legal Systems*, Oxford University Press, 2008, P. 199.

2. Article 5 & 3: " Everyone arrested or detained in accordance with the provisions of paragraph 1(c) of this article shall be brought promptly before a judge or other officer authorized by law to exercise judicial power and shall be entitled to trial within a reasonable time or to release pending trial. "

3. Schiesser v. Switzerland, 4 December 1979, Series A no. 34.

4. Schwabe and M.G. v. Germany, No. 8080/08, 1 December 2011.

شود؛ بلکه نکته اساسی آن است زمانی که سلب آزادی مورد نظر اتفاق می‌افتد، چنین هدفی وجود داشته باشد.<sup>۱</sup> با وجود این هدف، دیگر این موضوع که در نهایت رسیدگی کیفری انجام گرفته است یا نه، از اهمیت برخوردار نمی‌باشد.<sup>۲</sup> در واقع اینکه دادگاه اروپایی حقوق بشر تشخیص داده است که هدف قبل از سلب آزادی مهم‌تر از اقدام بعد از آن است، بیانگر و منعکس‌کننده این واقعیت است که با وجود اینکه صحت ظن در زمان اقدام به سلب آزادی باید در نظر گرفته و بررسی شود، اما منتهی شدن آن ظن به رسیدگی ممکن است بعداً غیرضروری شود (به دلیل اینکه رفتار مورد ظن روشن شده است)، غیرممکن شود (به دلیل اینکه مدرک کلیدی و قطعی در دسترس نیست) یا ناخواسته و نامطلوب شود (مثل زمانی که وضعیت سلامت نامطلوب متهم، رسیدگی به اتهام او را ظالمانه می‌کند).<sup>۳</sup>

بنابراین از منظر ماده ۵ (۱) (ج) اینکه با ادعای ابتدای بر مقررات و ضوابط حقوق کیفری آزادی شخصی سلب شود، در حالی که هرگز قصدی برای اجرای آن قانون و مقررات علیه او از طریق یک رسیدگی کیفری وجود نداشته است، قابل قبول نخواهد بود. در واقع استفاده از قدرت توقیف و سلب آزادی اشخاص جایی که قصد انجام یک رسیدگی کیفری وجود ندارد، نه فقط خروج از ضوابط ماده ۵ (۱) (ج) است، بلکه در تعارض با ضوابط کلی‌تر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ارتباط با ممنوعیت رفتارهای خودسرانه می‌باشد.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ هم گرچه مقررۀ صریح و مشخصی در خصوص لزوم حاضر کردن شخصی که به موجب قرار بازداشت موقت دچار سلب آزادی شده است، در یک فرایند رسیدگی کیفری ندارد، با وجود این، از نحوه بیان قانون‌گذار در بعضی مواد می‌توان لزوم انجام چنین رسیدگی را استنباط کرد؛ از آن جمله می‌توان به ماده ۲۱۷ اشاره کرد که ضمن برشمردن انواع قرارهای تأمین و از جمله بازداشت موقت، فلسفۀ صدور این قرارها را «دسترسی به متهم و حضور به موقع وی» در فرایند رسیدگی بعدی می‌داند. همچنین در ماده ۲۴۲،

1. Macovei, Monica, *The Right to Liberty and Security of the Person: A Guide to the Implementation of Article 5 of the European Convention on Human Rights*, Directorate General of Human Rights, 2004, P. 23.

2. Petkov and Profirov v. Bulgaria, Nos. 50027/08 and 50781/09, 24 June 2014.

3. برای نمونه، ر.ک: دعوی 3

Erdagoz v. Turkey, No. 21890/93, 22 October 1997, Reports 1998-VI.

قانون گذار بر این نکته تأکید کرده است که چنانچه با گذشت مدت زمان مشخصی از صدور قرار تأمین، «متهم در بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشود، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار» است. بدیهی است که چنین مقرره‌ای به وضوح دلالت بر لزوم رسیدگی قضایی به پرونده شخص بازداشت شده و تعیین تکلیف او دارد.

## ۲.۲. نیاز به توجیه تداوم بازداشت پیش از دادرسی

دادگاه اروپایی حقوق بشر مکرراً تأکید کرده است که گرچه وجود ظن برای بازداشت اولیه ضروری است، برای تداوم بازداشت بعد از یک دوره زمانی خاص کافی نخواهد بود.<sup>۱</sup> این بدان خاطر است که یک حق صریح برای آزاد کردن فرد در طول دادرسی در ماده ۵ (۳) وجود دارد که فقط در صورتی می‌تواند نادیده گرفته شود که یک یا چند دلیل کافی و مرتبط برای ادامه سلب آزادی- با وجود پیش فرض آزادی- در کنار ظن احراز شود.

از سویی دلایلی که برای طولانی شدن و تداوم بازداشت ارائه می‌شوند، فقط در صورتی قابل قبول هستند که در عمل نسبت به شرایط شخص مورد نظر در پرونده خاص قابل اعمال باشند.<sup>۲</sup> بنابراین نمی‌توان این را به عنوان یک قاعده کلی پذیرفت که اشخاصی که سابقه کیفری خاصی دارند یا متهم به جرایم خاصی هستند، باید از دایره افرادی که در طول دادرسی مشمول آزادی قرار می‌گیرند، مستثنا شوند. به عنوان نمونه در دعوی *Caballero v. the United Kingdom* که در آن خواهان به خاطر شروع به تجاوز جنسی بازداشت شده بود، دولت انگلستان ادعان کرد که نقض ماده ۵ (۳) اتفاق افتاده است؛ زیرا دادگاه وثیقه خواهان را بر اساس قانونی که بدون استثنا مانع از پذیرفتن وثیقه همه اشخاص متهم یا محکوم به قتل عمد، قتل غیرعمد و تجاوز می‌شد، نپذیرفته بود.<sup>۳</sup> در واقع چنین قانونی قابل قبول نبود؛ چون مانع از آن بود که دادگاه‌ها شرایط خاص کسی را که آزادی‌اش سلب شده بود، در تصمیم‌گیری خود در نظر بگیرند و فقط

1. *Stogmuller v. Austria*, 10 November 1969; *Clooth v. Belgium*, 12 December 1991; *Contrada v. Italy*, 24 August 1998; *Jecius v. Lithuania and Barfuss v. the Czech Republic*, 1 August 2000.

۲. صابر، محمود و حسین ناظریان، مهلت معقول دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی و آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۳۹۳، دوره هجدهم، شماره ۴، صص ۷۲-۴۷.

3. Council of Europe Staff, *Yearbook of the European Convention of Human Rights 2000*, Martinus Nijhoff Publishers, 2001, P. 133.

براساس شدت جرم ارتكابی حکم به تداوم بازداشت فرد می‌داد. این در حالی است که دادگاه اروپایی حقوق بشر تصریح کرده است که طولانی شدن و تداوم سلب آزادی حتی در موارد قتل عمدی هم توجیه نشدنی می‌باشد.<sup>۱</sup>

به طور کلی، دادگاه اروپایی حقوق بشر چهار دلیل را به عنوان دلایل مناسب برای تداوم بازداشت پیش از دادرسی یک شخص، جایی که هنوز ظن معقول نسبت به ارتكاب جرم توسط او وجود دارد، شناسایی کرده است<sup>۲</sup> که در ذیل به صورت مختصر به آنها اشاره می‌شود.

### ۲.۲.۱. خطر فرار<sup>۳</sup>

خطر فرار کردن شخص مظنون امری است که همواره باعث نگرانی مأموران اجرای قانون، به ویژه زمانی که توقیف اولیه شخص مورد نظر آسان نبوده است، می‌شود و تردیدی نیست که همواره اشخاصی وجود دارند که اگر شانس و موقعیت انجام این کار به آنها داده شود، برای فرار کردن اقدام می‌کنند. با وجود این، کافی نیست که به یک احتمال کلی مبنی بر وجود خطر فرار برای تداوم سلب آزادی تکیه شود. به طریق اولی، صرف اینکه مانعی برای فرار فرد وجود نداشته است، به عنوان دلیلی برای ادامه سلب آزادی قابل قبول نخواهد بود.<sup>۴</sup>

بنابراین، همیشه لازم است که همه عوامل و شرایط خاص موجود در یک پرونده بررسی شود تا بتوان تصمیم گرفت که آیا چنین خطری وجود دارد یا نه. این عوامل و شرایط باید به گونه‌ای باشند که آشکارا این امر را به ذهن متبادر سازند که وجود آنها ممکن است در نهایت منتهی به فرار شخص مظنون شود؛ با وجود پیامدهایی که ممکن است این کار برای او داشته باشد و خطراتی که در این راه بر او تحمیل می‌شود. از جمله عواملی که ممکن است به ما در احراز این که خطر فرار وجود دارد کمک کند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: شدت مجازات جرمی که

1. I.A. v. France, 23 September 1998; Letellier v. France, 26 June 1991.

۲. لازم به ذکر است که قدرت ادله موجود در دعوا علیه شخص مظنون، گرچه از اهمیت برخوردار است، خودش به تنهایی یک دلیل کافی برای تداوم بازداشت نیست. این مسئله در دعاوی زیر مورد تأکید قرار گرفته است:

Kemmache v. France (Nos. 1 and 2), 27 November 1991; Mansur v. Turkey; Yagci and Sargin v. Turkey, 8 June 1995.

3. The risk of flight.

۴. به عنوان مثال در دعوی Stogmuller v. Austria حکم داده شد که صرف اینکه عبور از مرز برای خواهان ممکن یا آسان بوده، به منزله وجود خطر فرار نیست.



فرد به آن مظنون است؛ اینکه شخص پیش‌تر از این بعد از متهم شدن به جرمی فرار کرده بوده است؛ جایی که برای طی کردن روند تعقیب فرد نیاز به استرداد اوست؛<sup>۱</sup> در جایی که مدارک مشخص و معینی مبنی بر طراحی یک نقشه برای فرار وجود دارد؛<sup>۲</sup> جایی که فرد مورد نظر با کشور دیگری ارتباطاتی دارد که ممکن است فرار را برای او آسان‌تر کند<sup>۳</sup> یا سایر موارد.

با وجود این، باید بر این نکته تأکید کنیم که هیچ یک از عوامل یادشده نمی‌توانند به تنهایی به عنوان توجیه برای تداوم سلب آزادی کسی مورد استناد قرار گیرند. پس لازم است که در هر مورد بررسی شود که یکی از این عوامل یا ترکیبی از آنها در اوضاع و احوال خاص مربوط به آن پرونده چقدر حائز اهمیت هستند. پس از این که احراز شد که این عوامل واقعاً وجود دارند، باید آنها را با کلیه عواملی که علیه امکان فرار فرد وجود دارند و به بیان دیگر مانعی برای فرار او محسوب می‌شوند،<sup>۴</sup> مقایسه کرد و وزن هر کدام از آنها را سنجید. در نهایت و با در نظر گرفتن همه عوامل مرتبط و موجود چه به نفع احتمال فرار و چه به ضرر احتمال فرار- یک ارزیابی کلی از این که احتمال فرار شخص مورد نظر چقدر است، صورت می‌گیرد.

۱. به عنوان مثال، ر.ک: پرونده Punzelt v. the Czech Republic, 25 April 2000 که در آن خواهان از رسیدگی کیفری مرتبط در آلمان فرار کرده بود.
۲. به عنوان مثال در دعوی Matznetter v. Austria, 10 November 1969 منابع مالی به خارج از کشور منتقل و یک سفر به خارج از کشور هم پیش‌بینی و تماس‌هایی هم برای تحقق آن برقرار شده بود. همچنین در دعوی Ceszk v. the Czech Republic, 6 June 2000 خواهان مقدار زیادی پول به یک آشنا سپرده، با استفاده از هویت شخصی دیگر یک ماشین خریداری کرده و یک پاسپورت قلابی هم تهیه کرده بود.
۳. به عنوان مثال، ر.ک: دعوی W v. Switzerland, 26 January 1993 که در آن خواهان یک مرد تنها بود که سکونتگاهش را به مونت کارلو منتقل کرده بود و مکرراً به آنگولا- جایی که فرض می‌شد که او مالک یک بانک است، انگلستان، آلمان و آمریکا سفر می‌کرد. همچنین مشخص شد که او پول قابل توجهی خارج از دسترس در سوئیس دارد و نیز مالک چندین پاسپورت متفاوت است. همین‌طور دعوی Punzelt v. the Czech Republic جایی که خواهان تماس‌های تجاری متعددی با خارج از کشور داشت و نیز دعوی Barfuss v. the Czech Republic, 1 August 2000 جایی که اگر خواهان به آلمان فرار می‌کرد، می‌توانست شهروندی آلمان را به دست آورد که این امر استرداد او به جمهوری چک را غیر ممکن می‌ساخت.
۴. از جمله عوامل و دلایلی که می‌توان به آنها به عنوان مواردی اشاره کرد که می‌توانند شخص مظنون را تشویق کنند که بماند یا حداقل با وجود آنها احتمال کمتری برای فرار او متصور است، عبارت‌اند از: ملاحظات خانوادگی؛ کاراکتر و شخصیت فرد؛ اخلاقیات او؛ وضعیت خاص یا مسئولیت‌هایش؛ مقدار اموالی که فرد از خود به جا گذاشته است؛ مدارک گذشته که دال بر قابلیت اعتماد به او زمانی که وی آزاد بوده است، می‌باشد و نیز مقدار ضمانت‌هایی که او برای تضمین حاضر شدنش در زمان دادرسی داده است.

## ۲.۲.۲. خطر مداخله در جریان عدالت<sup>۱</sup>

خطر مداخله و ایجاد اختلال در روند عدالت در بین همه افراد درگیر در فرایند اجرای عدالت کیفری یک نگرانی مشروع است و بنابراین جای شگفتی نیست که به عنوان یک دلیل ممکن و محتمل برای تداوم سلب آزادی کسی در نظر گرفته شود. شخص متهم ممکن است به خوبی از شانس آزادی خود استفاده کند تا مدارک پرونده علیه خودش را تضعیف کند یا شهود را تحت فشار قرار دهد که علیه وی شهادت ندهند؛<sup>۲</sup> به اشخاص دیگری که ممکن است تحت تعقیب باشند، هشدار دهد؛ با سایر اشخاص درگیر در پرونده در خصوص این موضوع که در فرایند رسیدگی چگونه به پرسش‌ها پاسخ دهند، تبانی کند؛<sup>۳</sup> اسناد و مدارک موجود را از بین ببرد<sup>۴</sup> یا به طریق دیگری در روند تحقیقات اختلال به وجود آورد.<sup>۵</sup> با وجود این، باید توجه داشت که این

### 1. the risk of an interference with the course of justice.

۲. به عنوان نمونه، ر.ک: دعوی *Letellier v. France*. در این دعوا پذیرفته شد که یک خطر واقعی از تحت فشار قرار دادن شاهد در آغاز تعقیب وجود داشته است، اما با گذشت زمان این خطر کاهش پیدا کرده و در عمل منتفی شده بود. در نتیجه قصور همه دادگاه‌های فرانسوی در استناد به این خطر بعد از خودداری‌های اولیه ایشان برای آزاد کردن خواهان، به صورت واضحی هر مبنایی را که می‌توانست به این دلیل برای سلب آزادی ضمیمه شود، تضعیف کرده بود. همچنین در دعوی *I.A. v. France* هم احراز شد که خطر اعمال فشار بر شاهد وجود داشته است، اما فقط در مرحله اولیه تحقیقات، و این خطر بعداً از بین رفته بود.

۳. به عنوان مثال، در دعوی *W v. Switzerland* احراز شد که این خطر وجود داشته است که خواهان کارمندان را تحت تأثیر قرار دهد تا در حمایت از او مدارک جعلی تولید کنند یا از ادای شهادت چشم‌پوشی کنند.

۴. به عنوان نمونه، نگرانی دادگاه‌ها درباره از بین بردن و محو کردن مدارک در دعوی *Wemhoff v. the Federal Republic of Germany* موجه محسوب شد، به دلیل ویژگی و خصیصه جرایم اتفاق افتاده (شامل خیانت در امانت و سوء استفاده از منابع مالی ارائه شده به وسیله یک بانک) و پیچیدگی شدید پرونده. با وجود این، دادگاه اروپایی حقوق بشر تأکید کرد که حتی دادگاه تجدید نظر داخلی دچار تردید بود که آیا احتمال پابرجا ماندن این خطر متوقف شده بود یا نه و بنابراین هرچه تدارکات و مقدمات تعقیب آن پرونده به نهایی شدن نزدیک‌تر می‌شد، این باور که خطر متقاعد کننده باقی مانده باشد، نامحتمل‌تر می‌شد.

۵. به عنوان نمونه، در دعوی *Clooth v. Belgium* دادگاه اروپایی حقوق بشر پذیرفت که خواهان در ابتدا با اظهارات متعدد و متغایرش تحقیقات را پیچیده‌تر کرده بود، اما این نکته را مورد تأکید قرار داد که در حالت کلی، نیاز به تحقیقات نمی‌تواند تداوم بازداشت را توجیه کند. همچنین جایی که این ادعا مطرح می‌شود که با آزاد گذاشتن فرد، تدابیر تحقیقاتی خاصی مورد تهدید قرار می‌گیرد، تداوم بازداشت بعد از تکمیل آن تدابیر، دیگر نمی‌تواند مناسب در نظر گرفته شود. قصوری که در این مورد در دعوی *Clooth* اتفاق افتاده بود، نقش مهمی در احراز نقض ماده ۵ (۳) ایفا کرد.

احتمالات نمی‌توانند به صورت مطلق مورد اتکا قرار گیرند و بایستی شرایطی وجود داشته باشد که به صورت واقعی و در عمل از آنها به منظور محروم کردن شخص از آزادی‌اش حمایت کند.

### ۲.۲.۳. نیاز به پیشگیری از جرم<sup>۱</sup>

در این زمینه هم پیش از هر چیز باید ثابت شود که هرگونه نگرانی درباره ارتکاب جرایم بعدی، یک چیز محتمل است و اینکه اقدام پیشگیرانه در آن پرونده خاص، امر مناسب و مقتضی بوده است. در ارزیابی این موضوعات، همه شرایط و اوضاع و احوال پرونده و مخصوصاً سابقه تاریخی و شخصیتی فرد مربوط باید در نظر گرفته شود.<sup>۲</sup>

### ۲.۲.۴. نیاز به حفاظت از نظم عمومی<sup>۳</sup>

نیاز به حفظ نظم عمومی و از جمله مصادیق آن که نگرانی برای حمایت از شخص متهم است، به عنوان دلیلی که می‌تواند مبنایی برای تداوم سلب آزادی باشد، پذیرفته شده و به عنوان مثال در دعوی *Letellier v. France* مورد تصدیق قرار گرفته است. با وجود این، دادگاه اروپایی حقوق بشر تأکید کرده است که این مینا فقط زمانی قابل اعمال است که بتوان ثابت کرد آزادی شخص مورد نظر در آن زمان خاص، واقعاً نظم عمومی را مختل می‌کند.<sup>۴</sup>

بنابراین باید توجه داشت که به عنوان مثال صرف شدید بودن جرمی که واقع شده است، نمی‌تواند مبنایی برای احراز امکان اختلال در نظم عمومی و در نتیجه تداوم بازداشت به منظور جلوگیری از این امر تلقی شود. پس احتمال پاسخ و واکنش به یک جرم سنگین از قبیل قتل عمد - چه از جانب بخشی از خویشاوندان قربانی یا از طرف جامعه به طور کلی - ممکن است برای توجیه ترس از اختلال در نظم عمومی کافی باشد، اما همواره این گونه نخواهد بود؛ چنان که در دعوی *Letellier* دادگاه اروپایی حقوق بشر حکم داد که هیچ نماد و مصداق بارزی از بی‌نظمی برای تداوم بازداشت مورد استناد قرار نگرفته و اساساً مادر و دختر قربانی، مخالف

1. The need to prevent crime.

2. Reid, Karen, A Practitioner's Guide to the European Convention on Human Rights, Sweet & Maxwell, 2011, P. 292.

3. The need to preserve public order.

4. Ward, Richard, Akhtar, Amanda, *Walker & Walker's English Legal System*, OUP Oxford, 2011, P. 621.

آزادی خواهان نبوده‌اند. همچنین وجود نگرانی درباره انتقام به وسیله خویشاوندان قربانی قتل عمد در دعوی I.A v. France قابل قبول دانسته نشد؛ به این دلیل که بسیاری از خویشان او در کشور دیگری (لبنان) زندگی می‌کردند.<sup>۱</sup>

همچنین دادگاه اروپایی حقوق بشر تأکید کرده است که این مبنا فقط برای مدت زمانی که خطر اخلال در نظم عمومی پابرجا هست، می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. این نظر دادگاه به خوبی قابل درک است؛ زیرا بدیهی است زمانی که شوک اولیه وارد شده به جامعه یا قربانیان جرم خاص با گذشت زمان فروکش کرد، احتمال پاسخ و واکنش از سوی ایشان کاهش پیدا می‌کند و غیرمحمول می‌شود. در رابطه با لزوم وجود ادله کافی در کنار ظن اولیه برای صدور قرار بازداشت موقت و ادامه آن، رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ با رویه دادگاه اروپایی در این زمینه مشابهت زیادی دارد. توضیح آنکه از یک سو قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ در ماده ۲۳۸ صدور قرار بازداشت موقت را منوط به وجود یکی از شرایط ذیل کرده است:

الف) آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از ادای شهادت امتناع کنند.

ب) بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد.

ج) آزاد بودن متهم مخل نظم عمومی و موجب به خطر افتادن جان شاک، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

از سوی دیگر، مواد مختلف قانون آیین دادرسی کیفری از جمله ماده ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۱ و ۲۴۲ بر لزوم موجه و مدلل بودن قرار بازداشت و اینکه در صورتی که علت بازداشت مرتفع شود و موجب دیگری برای ادامه آن نباشد، باید از متهم رفع بازداشت شود، تأکید دارند. بنابراین به نظر می‌رسد در این زمینه بین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ و رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر مشابهت زیادی وجود دارد؛ چرا که دادگاه اروپایی هم صدور قرار بازداشت موقت را در صورت وجود دلایل معقول مبنی بر ظن ارتکاب جرم توسط شخص یا جهات معقوله مبنی بر ضرورت جلوگیری از ارتکاب جرم یا جلوگیری از فرار او پس از ارتکاب جرم جایز می‌دانست و در

1. Macovei, Monica, The Right to Liberty and Security of the Person: A Guide to the Implementation of Article 5 of the European Convention on Human Rights, Directorate General of Human Rights, 2004, P. 32&33.

ادامه نیز چنان که اشاره کردیم، تداوم بازداشت را منوط به وجود خطر فرار، اخلال در فرایند عدالت، ارتکاب جرم بعدی یا اخلال در نظم عمومی می‌دانست.

### ۲.۳. حق آزادی شخص مشمول سلب آزادی ناشی از بازداشت موقت

پس از شروع سلب آزادی شخص در قالب بازداشت موقت پذیرفته شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تداوم بازداشت فقط ممکن است در ذیل چهار مبنای شناسایی شده به وسیله دادگاه اروپایی حقوق بشر، یعنی خطر فرار، مداخله در جریان عدالت، پیشگیری از جرم و حفظ نظم عمومی، و تحت شرایطی که قبلاً به آن پرداختیم، توجیه شود. در غیر این صورت و اگر این دلایل توجیه کننده تداوم سلب آزادی وجود نداشت، شخص می‌تواند با پرداخت وثیقه آزاد شود. از آن جایی که وثیقه طراحی شده است تا حضور متهم را در زمان رسیدگی تضمین کند، میزان آن باید با این هدف تناسب داشته باشد. بنابراین در دعوی *Neumeister v. Austria* که مقامات داخلی میزان وثیقه را فقط با در نظر گرفتن میزان خساراتی که به خواننده وارد شده بود، محاسبه کرده بودند، دادگاه اروپایی حقوق بشر آن را مخالف با ماده ۵ (۳) دانست؛ زیرا هدف این ماده از پیش‌بینی وثیقه آن بوده است که حضور متهم را در زمان دادرسی تضمین کند، نه اینکه خسارت وارد شده توسط او را جبران نماید.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، بایستی توجه داشت که میزان وثیقه‌ای که برای آزادی متهم درخواست می‌شود، نباید بر او باری سنگین‌تر از آنچه واقعاً مورد نیاز است تا یک سطح معقولی از تضمین را فراهم کند، تحمیل نماید و بنابراین میزان آن باید با توجه به شخص متهم، دارایی‌های او و ارتباطات متهم با شخصی که احتمالاً تأمین را فراهم می‌کند، محاسبه شود.<sup>۲</sup> بدین منظور متهم باید اطلاعات مربوط به اموال و دارایی‌هایش را در دسترس بگذارد و مقامات داخلی هم وظیفه دارند تا به دقت این اطلاعات را بررسی کنند تا بتوانند ارزیابی مناسبی از میزان مبلغی که به عنوان وثیقه باید سپرده شود، به عمل آورند. بنابراین در نظر گرفتن مبلغی بیش از آنچه که برای تضمین اینکه متهم را از هرگونه تمایل به حاضر نشدن و غیبت در زمان دادرسی بازدارد کافی

1. Schutter, Olivier, *Human Rights in the Web of Governance: Towards a Learning-based Fundamental Rights Policy for the European Union*, Groupe de Boeck, 2010, P. 180.

2. *Wemhoff v. the Federal Republic of Germany*.

است، نقض حق وثیقه محسوب خواهد شد.<sup>۱</sup> همچنین تضمین‌هایی غیر از پول، از قبیل تسلیم گذرنامه، می‌تواند برای تضمین حضور متهم در زمان دادرسی لازم باشد.<sup>۲</sup>

با وجود این، نکته قابل ذکر آن است که وجود بعضی شرایط ویژه در پرونده‌های خاص که باعث به وجود آمدن احتمال و درصد بالایی از خطر غیبت شخص متهم در زمان دادرسی می‌گردد، سبب می‌شود که هر میزان از وثیقه ناکافی به حساب آید. به عنوان نمونه، می‌توان به دعوی Punzelt v. the Czech Republic اشاره کرد؛ در این دعوا خواهان پیشنهاد داده بود که با پرداخت مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ کرون<sup>۳</sup> به عنوان وثیقه آزاد شود، اما دادگاه داخلی جمهوری چک درخواست او را نپذیرفته بود و در مقابل به خواهان اعلام کرد که با توجه به مشکلات سلامت او، حاضر است در قبال پرداخت مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ کرون به عنوان وثیقه، او را آزاد کند. دادگاه اروپایی حقوق بشر در این باره چنین نظر داد که با توجه به وسعت و مقیاس معاملات خواهان (او قبل از بازداشت دو چک بلامحل به میزان معادل ۲۸/۰۰۰/۰۰۰ کرون صادر کرده بود. همچنین قصد داشت دو فروشگاه به ارزش تقریبی ۳۳۸/۸۵۶/۰۰۰ کرون و ۲۳۶/۰۰۰/۰۰۰ کرون خریداری کند و متعهد شده بود که مبلغ آنها را در اقساط ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ کرون بپردازد.)، رد درخواست آزادی با وثیقه او و در نظر گرفتن وثیقه‌ای بالاتر از آنچه او پیشنهاد داده بود، تخلف از ماده ۵ محسوب نمی‌شده است.<sup>۴</sup>

همچنین باید توجه داشت که براساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه دادگاه اروپایی، کسی که مشمول هر نوع سلب آزادی از جمله سلب آزادی ناشی از صدور قرار بازداشت موقت قرار گرفته است، می‌تواند به سلب آزادی خود اعتراض کند و نیز به موجب ماده ۵ (۴) کنوانسیون، قانونی بودن دستگیری یا بازداشت فرد محروم شده از آزادی باید در اسرع وقت توسط دادگاه رسیدگی و در صورتی که غیرقانونی باشد، دستور آزادی او صادر شود.<sup>۵</sup>

1. Neumeister v. Austria.

2. Stogmuller v. Austria.

۳. واحد پولی جمهوری چک با نام اختصاری « CZK ».

4. 25 April 2000, Application no. 31315/96.

۵. ماده ۵ (۴) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از این منظر در واقع الهام گرفته از قاعده هابس کریس بریتانیایی است و می‌توان آن را نوعی هابس کریس اروپایی دانست. برای مطالعه بیشتر درباره این موضوع، رک: دلماس مارتی، می‌ری، *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳، ص ۴۷۰.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ هم به مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و دادگاه اروپایی، حق اعتراض و آزادی را برای شخصی که مضمول سلب آزادی ناشی از بازداشت موقت قرار گرفته، قائل شده است. توضیح آنکه قانون جدید در سه حالت امکان خاتمه قرار بازداشت موقت و آزادی شخص متهم را پیش‌بینی نموده است: حالت اول مربوط به زمان صدور قرار است؛ بدین معنی که شخص متهم می‌تواند به موجب ماده ۲۳۹ و نیز بند (ب) ماده ۲۷۰ به قرار بازداشت موقت صادره توسط بازپرس اعتراض کند که رسیدگی به این اعتراض در صلاحیت دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اتهام شخص را دارد.<sup>۱</sup> علاوه بر این، ماده ۲۴۰ قانون، بازپرس را مکلف کرده است که پس از صدور قرار آن را فوری نزد دادستان بفرستد و دادستان هم حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت باید نظر خود را درخصوص قرار به صورت کتبی به بازپرس اعلام کند. هرگاه دادستان با بازداشت متهم موافق نباشد، حل اختلاف با دادگاه صالح است.

حالت دوم مربوط به زمانی است که علت بازداشت مرتفع شده است. در این حالت به موجب ماده ۲۴۱: «هرگاه علت بازداشت مرتفع شود و موجب دیگری برای ادامه آن نباشد، بازپرس با موافقت دادستان فوری از متهم رفع بازداشت می‌کند. در صورت مخالفت دادستان با تصمیم بازپرس، حل اختلاف با دادگاه صالح است. اگر متهم نیز موجبات بازداشت را مرتفع بداند، می‌تواند فک قرار بازداشت یا تبدیل آن را از بازپرس تقاضا کند. بازپرس به طور فوری و حداکثر ظرف پنج روز به طور مستدل راجع به درخواست متهم اظهار نظر می‌کند. در صورت رد درخواست، مراتب در پرونده ثبت و قرار رد به متهم ابلاغ می‌شود و متهم می‌تواند ظرف ده روز به آن اعتراض کند. متهم در هر ماه فقط یک بار می‌تواند این درخواست را مطرح کند.»

و سرانجام حالت سوم مربوط به زمانی است که با وجود طولانی شدن بازداشت موقت فرد، پرونده به تصمیم نهایی منتهی نشده باشد. در این حالت به موجب ماده ۲۴۲ قانون: «هرگاه در جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون تا دو ماه و در سایر جرایم تا یک ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشود، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین است. اگر علل

۱. ماده ۲۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲.

۲. مراد از جرائم موجب مجازات سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن و جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر است.

موجهی برای بقای قرار وجود داشته باشد، با ذکر علل مزبور، قرار، ابقا و مراتب به متهم ابلاغ می‌شود. متهم می‌تواند از این تصمیم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالح اعتراض کند. فک یا تخفیف قرار بدون نیاز به موافقت دادستان انجام می‌شود و ابقای تأمین باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. فک، تخفیف، یا ابقای بازداشت موقت، باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. هرگاه بازداشت متهم ادامه یابد، مقررات این ماده، حسب مورد، هر دو ماه یا هر یک ماه اعمال می‌شود. به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یکسال تجاوز نمی‌کند. «ملاحظه می‌کنیم که مقنن در این ماده کوشیده است حدنصاب‌هایی برای مدت زمانی که می‌توان فرد را در بازداشت موقت نگه داشت، تعیین کند که بسته به نوع جرایم و شرایط حاکم بر پرونده متفاوت هستند.<sup>۱</sup>

به هر روی، ملاحظه می‌کنیم که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ با پیش‌بینی طرق مختلف اعتراض به قرار بازداشت موقت، تأکید بر نظارت دوره‌ای و متناوب برای تشخیص اینکه آیا دلایلی که منجر به صدور قرار شده است، همچنان پابرجا می‌باشند یا نه و در نهایت در نظر گرفتن حدنصاب‌هایی برای بازداشت موقت و تأکید بر این که تحت هیچ شرایطی مدت زمان بازداشت موقت نباید از این حدنصاب‌ها فراتر رود، به رویکرد دادگاه اروپایی حقوق بشر که بر لزوم فراتر نرفتن بازداشت پیش از دادرسی از زمان معقول و در نظر گرفتن نظارت مداوم دادگاه‌ها بر این قرار و پیش‌بینی حق آزادی متهم با دادن وثیقه تأکید دارد، نزدیک شده است. با وجود این، ایرادی که در این زمینه به قانون وارد می‌باشد، آن است که ضمانت اجرای مشخص و معینی به منظور تضمین اجرای این ضوابط پیش‌بینی نکرده است و بنابراین مشخص نیست که اگر مقام قضایی رسیدگی‌کننده به پرونده از عمل به ضوابط مذکور سرباز زند، مسئولیت او چگونه خواهد بود. حال آنکه یکی از ویژگی‌های بنیادین حقوق، داشتن ضمانت اجراست<sup>۲</sup> که بدون آن، ضوابط حقوقی بیش از آن که جنبه عملی به خود گیرند، در قالب دستورات اخلاقی مجرد باقی می‌مانند.

۱. یزدانیان، محمدرضا، نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی کیفری در مورد قرار بازداشت موقت: رویکرد تطبیقی، مجله کارآگاه، ۱۳۹۴، دوره دوم، سال هشتم، شماره ۳۱، صص ۱۷-۷.

۲. گلدوست جویباری، رجب و زینب باقری‌نژاد، مسئولیت کیفری، مدنی و انتظامی ناقضین اصول بنیادین دادرسی کیفری، مجله پژوهش حقوق کیفری، ۱۳۹۲، سال دوم، شماره ۵، صص ۹۲-۷۳.



## نتیجه گیری

حقوق کیفری از یک سو خود را موظف به پاسداری و حمایت از حقوق بنیادین بشر نظیر حق حیات، حق آزادی و غیره می‌داند و از سوی دیگر برای کسانی که با اعمال و رفتار خود در صدد نقض این حقوق برمی‌آیند، ضمانت‌اجراهایی را پیش‌بینی نموده است که خود مستلزم سلب همین حقوق می‌باشند. همین رویکرد پارادوکسیکال این ضرورت را موجب شده است که قوانین کیفری در عین حال که پیش‌بینی چنین ضمانت‌اجراهایی را در راستای حمایت از منافع جامعه و شهروندان مطیع قانون الزامی بدانند، اما بکوشند که با در نظر گرفتن ضوابط و مقرراتی به منظور اجرای درست و قانونی آنها، مانع از سوءاستفاده از این نهادها و سلب حقوق انسانی متهمان و محکومان شوند.

یکی از بارزترین جلوه‌گاه‌های این تعارض، سلب آزادی از اشخاص در قالب قرار بازداشت موقت است؛ به این دلیل که از یک سو به مقتضای اصل برائت، لازم است کسی که هنوز مجرمیت او در هیچ نهاد قانونی اثبات نشده است، با هیچ محدودیتی نسبت به جان و مال و آزادی خود روبرو نشود و از سوی دیگر لزوم کشف جرم و رسیدگی به آن، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم، جبران ضرر و زیان وارده به بزه‌دیده و غیره، اقتضا دارد که بعضاً و تحت شرایطی محدودیت‌هایی در قالب قرار بازداشت موقت برای شخص مظنون در نظر گرفته شود. مجموعه این عوامل موجب شده است که اسناد مختلف بین‌المللی در عین حال که امکان سلب آزادی از اشخاص مظنون به ارتکاب جرم در قالب قرار بازداشت موقت را پذیرفته‌اند، با در نظر گرفتن ضوابطی که ناظر بر اجرای آن است، حقوق انسانی افراد مشمول این نهاد را هم مورد توجه قرار دهند. از جمله این اسناد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است که در ماده ۵ (۱) (ج) خود امکان سلب آزادی در قالب قرار بازداشت موقت را پیش‌بینی کرده، اما به منظور اجرای آن ضوابطی را برشمرده است که این ضوابط توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر و به مقتضای رسیدگی به دعاوی مربوط به قرار بازداشت موقت، بسط و توسعه داده شده و نظام‌مند شده‌اند.

در نظام حقوقی ایران هم قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ در فصل هفتم و ذیل عنوان «قراره‌های تأمین و نظارت قضایی» ضمن پذیرش قرار بازداشت موقت، به تفصیل درباره مواردی که امکان صدور قرار بازداشت موقت وجود دارد و سازوکارهای اجرای آن

بحث کرده است. در این میان، مقایسه ضوابط ناظر بر قرار بازداشت موقت در قانون جدید و سازوکارهای اجرای این قرار به موجب رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر نشانگر آن است که در موارد متعددی نظیر نیاز به وجود دلایلی چون ظن معقول، خطر فرار، خطر اخلال در نظم عمومی و غیره، برای صدور قرار، لزوم حاضر کردن شخص نزد مقام رسیدگی کننده قضایی پس از صدور قرار، پیش‌بینی امکان اعتراض شخص مشمول سلب آزادی به قرار صادره و نیز لزوم نظارت مداوم دادگاه‌ها بر بقای دلایل توجیه کننده صدور این قرار و صدور حکم به آزادی شخص در صورت از بین رفتن این دلایل، بین قانون جدید و رویه دادگاه اروپایی مشابهت وجود دارد.

با وجود این، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ صدور قرار بازداشت موقت را فقط در ارتباط با جرایم خاصی مجاز دانسته است. این در حالی است که دادگاه اروپایی حقوق بشر بر این مسئله تأکید دارد که تشخیص نیاز به صدور یا عدم صدور قرار بازداشت موقت امری است که با توجه به شرایط پرونده منحصرأ باید در حوزه صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده باشد و عنوان اتهامی و شدت مجازات آن فقط می‌تواند به عنوان راهنمایی در این تشخیص به کمک قاضی آید.

همچنین در اصلاحاتی که در سال ۱۳۹۴ در قانون آیین دادرسی کیفری اعمال شد، نوعی قرار بازداشت موقت الزامی درباره نظامیانی که در زمان جنگ مرتکب جرایم شدید می‌شوند، پیش‌بینی شد که برخلاف رویکرد دادگاه اروپایی حقوق بشر است که تحت هیچ شرایطی پیش‌بینی قرار بازداشت موقت الزامی را که مستلزم سلب حق مقام قضایی در بررسی اوضاع و احوال پرونده و تشخیص لزوم یا عدم لزوم صدور قرار بازداشت موقت می‌باشد، مجاز نمی‌داند.

نکته پایانی آنکه گرچه قانون جدید در مجموع بسیاری از ضوابط و سازوکارهای پذیرفته شده توسط اسناد و نهادهای بین‌المللی را در بحث حقوق افراد مشمول سلب آزادی ناشی از صدور قرار بازداشت موقت پذیرفته است، اما آنچه اهمیت دارد، شیوه اجرای این مقررات و میزان پایبندی به اصول و ضوابط مطرح شده در قانون است که می‌تواند نقش مهمی در تأمین حقوق اشخاصی که به موجب این قرار از نعمت آزادی محروم می‌شوند، داشته باشد.

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب

۱. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، جلد ۲، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۸۴.
۲. آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، جلد ۱، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۵.
۳. پرادل، ژان، گرت کورستنز و گرت فرملن، *حقوق کیفری شورای اروپا*، ترجمه دکتر محمد آشوری، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۲.
۴. خالقی، علی، *آیین دادرسی کیفری*، انتشارات شهردانش، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۹۳.
۵. دلماس مارتی، می‌ری، *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *درباره امنیت‌شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)*، دیپاچه بر کتاب مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم نوشته سودابه رضوانی، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱.

## مقاله

۷. آشوری، محمد و محمدرضا رحمت، *الگوی جرم‌شناسی کرامت‌مدار بازداشت موقت افتراقی بیماران در آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و ۱۳۹۲*، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۳، شماره ۷.
۸. تقی‌پور، علیرضا، *کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر*، مجله پژوهش‌های راهبردی، ۱۳۸۲، شماره‌های ۳۱-۳۰.
۹. شاملو، باقر و افشین عبداللهی، *دستاوردهای مدیریتی جرم‌شناسی در آیین دادرسی کیفری*، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۳۹۴، سال ششم، شماره ۲.

۱۰. صابر، محمود و حسین ناظریان، **مهلت معقول دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی و آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر**، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۳۹۳، دوره هجدهم، شماره ۴.
۱۱. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، **دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر**، مجله حقوقی، ۱۳۷۹، شماره ۲۵.
۱۲. گسن، رمون، **ملاحظه‌هایی درباره هدف آیین دادرسی کیفری**، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۵، شماره‌های ۵۷-۵۶.
۱۳. گلدوست جویباری، رجب و زینب باقری‌نژاد، **مسئولیت کیفری، مدنی و انتظامی ناقضین اصول بنیادین دادرسی کیفری**، مجله پژوهش حقوق کیفری، ۱۳۹۲، سال دوم، شماره ۵.
۱۴. یزدانیان، محمدرضا، **ضوابط و قواعد خاص حاکم بر بازداشت موقت**، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۱، شماره ۴۰.
۱۵. یزدانیان، محمدرضا، **نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی کیفری در مورد قرار بازداشت موقت: رویکرد تطبیقی**، مجله کارآگاه، ۱۳۹۴، دوره دوم، سال هشتم، شماره ۳۱.

#### (ب) منابع انگلیسی

#### Books

16. Boehm, Franziska, *Information Sharing and Data Protection in the Area of Freedom, Security and Justice*, Springer Science & Business Media, 2011 .
17. Council of Europe/European Court of Human Rights, *Guide on Article 5 of the Convention: Right to Liberty and Security*, www.echr.coe.int, 2014.
18. Council of Europe Staff, *Yearbook of the European Convention of Human Rights 2000*, Martinus Nijhoff Publishers, 2001.
19. Delmas-Marty, Mireille, *The European Convention for the Protection of Human Rights: International Protection Versus National Restrictions*, Martinus Nijhoff Publishers, 1992.
20. Forowicz, Magdalena, *The Reception of International Law in the European Court of Human Rights*, Oxford University Press, 2010.

21. Frias, Ana, *Counter-Terrorism and Human Rights in the Case Law of the European Court of Human Rights*, Council of Europe, 2013.
22. Keller, Helen, Sweet, Alec, *A Europe of Rights: The Impact of the ECHR on National Legal Systems*, Oxford University Press, 2008.
23. Macovei, Monica, *The Right to Liberty and Security of the Person: A Guide to the Implementation of Article 5 of the European Convention on Human Rights*, Directorate General of Human Rights, 2004.
24. Mowbray, Alastair, *Cases, Materials, and Commentary on the European Convention on Human Rights*, OUP Oxford, 2012.
25. Reid, Karen, *A Practitioner's Guide to the European Convention on Human Rights*, Sweet & Maxwell, 2011.
26. Ruggeri, Stefano, *Liberty and Security in Europe: A Comparative Analysis of Pre-trial Precautionary Measures in Criminal Proceedings*, V&R unipress GmbH, 2012.
27. Schutter, Olivier, *Human Rights in the Web of Governance: Towards a Learning-based Fundamental Rights Policy for the European Union*, Groupe de Boeck, 2010.
28. Stone, Richard, *Textbook on Civil Liberties and Human Rights*, Oxford University Press, 2014.
29. United Nations. *Office of the High Commissioner for Human Rights, International Bar Association, Human Rights in The Administration Of Justice: A Manual On Human Rights For Judges, Prosecutors And Lawyers*, United Nations Publications, 2003.
30. Ward, Richard, Akhtar, Amanda, *Walker & Walker's English Legal System*, OUP Oxford, 2011.

#### **Cited Cases**

31. Barfuss v. the Czech Republic, 1 August 2000, App No. 35848/97.
32. Caballero v. the United Kingdom, 8 February 2000, App No. 32819/96.
33. Ceszk v. the Czech Republic, 6 June 2000, No. 33644/96.
34. Clooth v. Belgium, 12 December 1991, App No. 12718/87.
35. Contrada v. Italy, 24 August 1998, App No. 27143/95.
36. Erdagoz v. Turkey, 22 October 1997, No. 21890/93, Reports 1998-VI.
37. Fox, Campbell and Hartley v. the United Kingdom, 30 August 1990, Series A, No. 182.
38. I.A. v. France, 23 September 1998, App No. 28213/95.
39. Ilgar Mammadov v. Azerbaijan, 22 May 2008, No. 15172/13.

40. Jecius v. Lithuania, 31 July 2000, No. 34578/97, ECHR 2000-IX.
41. Kemmache v. France , 27 November 1991, App Nos. 12325/86 and 14992/89.
42. Letellier v. France, 26 June 1991, App No. 12369/86.
43. Mansur v. Turkey, 8 June 1995, Series A No. 16026/90.
44. Matznetter v. Austria, 10 November 1969, Series A No. 10.
45. Murray v. the United Kingdom, 28 October 1994, Series A No. 300-A.
46. Neumeister v. Austria, 27 June 1968, Series A, No. 8, Paras, 13-14.
47. O'Hara v. the United Kingdom, 16 October 2001, No. 37555/97, ECHR 2001-X.
48. Petkov and Profirov v. Bulgaria, 24 June 2014, Nos. 50027/08 and 50781/09 .
49. Punzelt v. the Czech Republic, 25 April 2000, Application No. 31315/96.
50. Schiesser v. Switzerland, 4 December 1979, Series A, No. 34.
51. Schwabe and M.G. v. Germany, 1 December 2011, No. 8080/08 .
52. Stogmuller v. Austria, 10 November 1969, App. No. 1602/62.
53. Wemhoff v. the Federal Republic of Germany, 27 June 1968, Series A No. 7.
54. W v. Switzerland, 26 January 1993, App No. 14379/88.
55. Yagci and Sargin v. Turkey, 8 June 1995, Series A No. 16419/90, 16426/90